## کیفیت اقامه

جلسه 123-475

**‌شنبه - 31/03/۹9**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به اذان و اقامه بود. صاحب عروه فرمود: فصول اذان هیجده تا است و فصول اقامه هفده تا. راجع به فصول اذان بحث کردیم. اما راجع به فصول اقامه آن‌چه که صاحب عروه فرموده است موافق مشهور است که در ابتداء اقامه دو بار الله‌اکبر گفته می‌‌شود، بعد از حی علی خیر العمل دو بار قد قامت الصلاة گفته می‌‌شود و آخرش هم یک بار لااله‌الاالله گفته می‌‌شود که مجموعا می‌‌شود هفده فصل.

بر این مطلب ادعای اجماع هم شده. ولی صدوق در کتاب هدایه فرمود: فصول اذان بیست تا است و فصول اقامه بیست و دو تا، یعنی همان اذان بدون این‌که از آن چیزی کم بشود بعلاوه دو بار قد قامت الصلاة بعد از حی علی خیر العمل می‌‌شود اقامه. شاید مستند صدوق در کتاب هدایه روایت کلیب اسدی و ابی‌بکر حضرمی است که از امام صادق علیه السلام نقل کردند بعد از کیفیت اذان فرمودند: و الاقامة کذلک. البته در این روایت فصول اذان هیجده تا است، چون الله‌اکبر آخر اذان دو بار است بر خلاف آ‌‌ن‌چه که صدوق در هدایه چهار بار در آخر اذان الله‌اکبر را تکرار می‌‌کند ولی از این جهت که دارد و الاقامة مثل ذلک که اقامه مثل اذان است که البته چون مسلم است اقامه قد قامت الصلاة دارد دو بار نتیجه این می‌‌شود که اقامه مثل اذان است به اضافه دو بار قد قامت الصلاة.

و لکن این روایت باید توجیه بشود. و الاقامة کذلک یا باید بگوییم اجمالا اقامه را مثل اذان قرار داده نه تفصیلا یعنی تقریبا اقامه مثل اذان است و یا حمل کنیم بر استحباب و مراتب فضیلت بخاطر روایات دیگری که در مقام است.

مرحوم شیخ طوسی در کتاب نهایه می‌‌فرمایند در اقامه ما قائلیم که هفده فصل است، همان نظر مشهور، و لکن روایات دیگری هست که کسی به آن هم عمل بکند گنهکار نیست.

تعبیر ایشان این است، در صفحه 67 نهایه فرموده است: و قد روی ان الاذان و الاقامة سبع و ثلاثون فصلا، بعد از این‌که فرموده است اذان هیجده فصل است اقامه هفده فصل و نتیجه می‌‌شود سی و پنج فصل، فرموده و قد روی ان الاذان و الاقامة سبع و ثلاثون فصلا (روایت شده که اذان و اقامه سی و هفت فصل است یعنی دو فصل بیشتر) یضیف الی ما ذکرنا التکبیر مرتین فی اول الاقامة (که اول اقامه به جای دو تکبیر چهار تکبیر گفته می‌‌شود) و قد روی ثمانی و ثلاثون فصلا یضیف الی ذلک ایضا لااله‌الاالله مرة أخری فی آخر الاقامة (روایت هم داریم که اذان و اقامه سی و هشت فصل دارد که نتیجه این می‌‌شود که اقامه بیست فصل پیدا می‌‌کند: چهار بار الله‌اکبر اول اقامه، لااله‌الاالله را هم آخر اقامه دو بار بگوید) و قد روی اثنان و اربعون فصلا (روایت هم داریم که اذان و اقامه چهل و دو فصل دارد یضیف الی ذلک التکبیر فی آخر الاذان مرتین و فی آخر الاقامة ‌مرتین (آخر اذان به جای دو تکبیر چهار تکبیر بگوید و در آخر اقامه هم به جای دو بار تکبیر چهار تکبیر بگوید) فمن عمل علی احدی هذه الروایات لم یکن ماثوما. هر کس طبق این روایات عمل کند گناه نکرده. این روایاتی که شیخ طوسی نقل می‌‌کند سند ندارد و لذا قابل اعتماد نیست.

راجع به کیفیت اقامه روایات معتبره هم اختلاف دارد:

مثلا در صحیحه صفوان جمال آمده: الاذان مثنی مثنی و الاقامة‌ مثنی مثنی. وسائل الشیعة جلد 5 صفحه 414. اذان دو تا دو تا است، ‌اقامه هم دو تا دو تا است.

در صحیحه معاویة بن وهب از امام صادق علیه السلام نقل می‌‌کند الاذان مثنی مثنی و الاقامة واحدة واحدة. وسائل الشیعة جلد 5 صفحه 415.

طبعا این دو روایت با هم اختلاف دارند. مفاد صحیحه معاویة‌ بن وهب این است که یک بار کلمات اقامه گفته می‌‌شود تکرار نمی‌شود.

روایت سوم صحیحه عبدالله بن سنان است عن ابی‌عبدالله علیه السلام الاقامة مرة مرة الا قول الله‌اکبر الله‌اکبر فانه مرتان. وسائل الشیعة جلد 5 صفحه 415.

مفاد این صحیحه این است که اقامه به جز الله‌اکبر که دو بار گفته می‌‌شود بقیه‌اش یک بار گفته می‌‌شود. این صحیحه هم با صحیحه صفوان تعارض دارد. بله، با صحیحه معاویة‌ بن وهب قابل جمع است که دارد الاقامة واحدة واحدة، می‌‌شود الا الله‌اکبر.

روایت چهارم معتبره اسماعیل جعفی است که داشت: الاقامة سبعة عشر حرفا، اقامه هفده فصل است. معتبره اسماعیل جعفی همان چیزی است که مشهور بر اساس او فتوی دادند. البته توضیح نداده معتبره اسماعیل جعفی که چگونه اقامه هفده فصل است ولی با توجه به سیره عملیه متشرعه و فتوی مشهور روشن می‌‌شود که کیفیت اقامه همین کیفیت معروفه است که هفده فصل دارد.

راجع به این روایات مرحوم آقای خوئی فرمودند مقتضای صناعت حمل بر اختلاف مراتب استحباب است. چون اقامه اصلش مستحب است و در اوامر وارده در مستحبات که اختلاف دارند مقتضای صناعت و جمع عرفی این است که بگوییم مراتب استحباب مختلف است. مرتبه اعلی استحباب این است که دو بار دو بار اقامه بگوییم، مرتبه ادنی استحباب این است که یک بار یک بار اقامه بگوییم، ‌فصول اقامه را یک بار بگوییم تکرار نکنیم.

فقط ایشان فرموده: چون ما یک روایت دیگری داریم بخاطر آن روایت دست از این جمع عرفی بر می‌‌داریم و آن صحیحه ابی حمام است، عن ابی الحسن علیه السلام قال الاذان و الاقامة مثنی مثنی و قال اذا اقام مثنی و لم یؤذن اجزأه فی الصلاة المکتوبة و من اقام الصلاة واحدة واحدة و لم یؤذن لم یجزئه الا باذان. وسائل الشیعة جلد 5 صفحه 424.

مفاد این روایت صحیحه این است که اگر انسان اذان نگوید فقط اقامه بگوید، باید دو بار دو بار فصول اقامه را تکرار کند، ولی اگر اذان بگوید کافی است که انسان یک بار فصول اقامه را تکرار کند. اذا اقام مثنی اقامه بگوید دو بار دو بار، ‌یعنی فصول اقامه را دو بار تکرار کند و لم یؤذن اجزأه فی الصلاة المکتوبة و من اقام الصلاة واحدة واحدة و لم یؤذن لم یجزئه الا باذان، اما اگر بخواهد تکرار نکند یک بار فصول اذان [اقامه] را بگوید بدون اذان مجزی نیست. این صحیحه شاهد جمع می‌‌شود که الاذان مثنی مثنی را حمل کنیم بر جایی که بدون اقامه است و الاذان [الاقامة] واحدة واحدة را حمل کنیم بر جایی که همراه با اذان است.

به نظر ما این فرمایش تمام نیست. چون مبتنی بر این است که ما با خطاب سوم جمع عرفی درست کنیم بین دو خطاب که با هم متباین هستند. ما دو خطابی داریم که با هم متباین هستند، یک می‌‌گوید الاقامة مثنی مثنی دیگری می‌‌گوید الاقامة واحدة ‌واحدة. حالا جمع عرفی دارند این دو خطاب حمل بر مراتب استحباب می‌‌شوند یا جمع عرفی ندارند بحث دیگری است، به لحاظ موضوع و محمول با هم متباین است، حال ممکن است کسی قائل بشود که جمع عرفی دارند اما فی حد ذاته با هم متباین هستند. این‌که خطاب سومی بخواهد بین این دو جمع عرفی موضوعی درست بکند الاقامة مثنی را حمل کنیم بر فرضی که بدون اذان است و الاقامة واحدة واحدة را حمل کنیم بر جایی که همراه با اذان است، این جمع، عرفی نیست.

و لذا به نظر ما همان بیان اول مرحوم آقای خوئی خوب است که این‌ها حمل می‌‌شود بر مراتب فضیلت و استحباب. در عین حال ما قبول داریم که صحیحه ابی حمام در فرضی که اقامه بگوییم اذان نگوییم می‌‌گوید اصلا مجزی نیست، تخصیص می‌‌زند آن روایت صحیحه معاویة‌ بن وهب را که می‌‌گوید الاقامة‌ واحدة واحدة. نتیجه این می‌‌شود:‌ اقامه بدون اذان باید فصل‌هایش دو بار تکرار بشود، ‌همراه با اذان افضل این است که دو بار دو بار فصل‌هایش گفته بشود ولی جایز است و اقل مرتبه استحباب این است که یک بار بگوییم.

**استحباب صلوات بعد از شهادت به نبوت**

این راجع به کیفیت اقامه است. در ادامه صاحب عروه فرموده است: و یستحب الصلاة علی محمد و آله عند ذکر اسمه. بعد از اشهد ان محمدا رسول الله مستحب است بگوییم صلی الله علیه و آله.

در این شکی نیست و این مطلب مسلم است. بلکه مرحوم آقای خوئی فرموده است ظاهر مثل صحیحه زراره که دارد و صل علی النبی صلی الله علیه و آله کلما ذکرته أو ذکره ذاکر عندک فی اذان أو فی غیره که در وسائل الشیعة جلد 5 صفحه 451 آمده، وجوب صلوات بر محمد و آل محمد است هنگام ذکر اسمش یا شنیدن نامش در اذان یا غیر اذان. و لکن چون این مسأله از مسائل عام البلوی است و اگر واجب بود این مطلب واضح می‌‌شد نزد متشرعه، لو کان لبان، در حالی که می‌بینیم معظم فقهاء فتوی به وجوب ندادند مگر فقهاء معدودی از جمله ظاهر صاحب وسائل این است که واجب است ولی معظم فقهاء فتوی به وجوب ندادند و سیره متشرعه و ارتکاز متشرعه هم بر وجوب نیست و لذا همان‌طور که مشهور گفتند ما قائل به استحباب هستیم که اگر نام پیامبر را در اذان بردیم یا شنیدیم یا در غیر اذان، ‌صلوات بر محمد و آل محمد بفرستیم.

**شهادت ثالثه**

در ادامه صاحب عروه فرموده است: اما شهادت به ولایت امیرالمؤمنین، اما الشهادة لعلی علیه السلام بالولایة و إمرة‌ المؤمنین فلیست جزءا منهما. شهادت ثالثه، اشهد ان علیا ولی الله، جزء اذان و اقامه نیست. برخی از بزرگان مثل مرحوم آسید عبدالهادی شیرازی حاشیه زدند الا انها تستحب فیهما، ‌یک مستحب مستقلی که ظرفش اذان و اقامه باشد شهادت ثالثه است، مستحب نفسی است، ‌مستحب مستقلی است که ظرفش اذان و اقامه است، بله جزء اذان و اقامه نیست که بدون آن اذان و اقامه باطل باشد.

راجع به شهادت ثالثه کلماتی از فقهاء امامیه آمده آن‌ها را ابتداء نقل کنیم:

مرحوم صدوق در کتاب فقیه عبارت تندی دارد. ایشان فرموده: در کیفیت اذان و المفوضة لعنهم الله قد وضعوا اخبارا و زادوا بها فی الاذان محمد و آل محمد خیر البریة مرتین و فی بعض روایاتهم بعد اشهد ان محمدا رسول الله اشهد ان علیا ولی الله مرتین و منهم من روی بدل ذلک اشهد ان علیا امیرالمؤمنین حقا مرتین. بعد مرحوم صدوق در من لایحضره الفقیه فرموده و لا شک ان علیا ولی الله و انه امیرالمؤمنین حقا و ان محمدا و آله خیر البریة و لکن ذلک لیس فی اصل الاذان. من لایحضره الفقیه جلد 1 صفحه 188.

مقصود ایشان از مفوضه کسانی هستند که می‌‌گویند امر خلق تفویض شده به ائمه علیهم السلام که از غلات به حساب می‌‌آیند. مرحوم شیخ طوسی هم در نهایه این‌جور فرموده، فرموده فاما ما رُوی فی شواذ الاخبار من قول ان علیا ولی الله و آل محمد خیر البریة فمما لایعمل علیه فی الاذان و الاقامة فمن عمل به کان مخطئا. نهایة صفحه 69. در مبسوط ایشان فرمودند در ادامه: و لو فعله انسان لم یأثم به غیر انه لیس من فضیلة الاذان و لا کمال فصوله. مبسوط جلد 1 صفحه 99.

در این‌جا چند بحث مطرح می‌‌شود:

یکی این‌که آیا قول مشهور که شهادت ثالثه جزء اذان و اقامه نیست ‌درست است؟ چون برخی قائل شدند که می‌‌توان با ادله‌ای اثبات کرد شهادت ثالثه جزء اذان و اقامه است.

بحث دوم این است که حال اگر بگوییم طبق نظر مشهور شهادت ثالثه جزء اذان و اقامه نیست، گفتن شهادت ثالثه در اذان و اقامه بدون قصد جزئیت جایز است یا جایز نیست؟ چون برخی شبهه بدعت راجع به آن دارند. باید این را بحث کنیم و جواب بدهیم.

بحث سوم این است که آیا شهادت ثالثه در اقامه به خصوص، مشکل ایجاد نمی‌کند؟ از این حیث که در روایات داریم کسی که تکلم بکند در اثناء اقامه اعاده بکند اقامه را چون اقامه از نماز است، فان الاقامة من الصلاة. تکلم یعنی آنی که نه ذکر الله است نه ذکر النبی است نه دعا است و نه قرائت قرآن. و لذا جلّ فقهاء می‌‌گویند در نماز نمی‌شود گفت اشهد ان علیا ولی الله چون تکلم است به کلامی که نه مصداق ذکر خداست نه مصداق ذکر پیامبر است نه ذکر مصداق قرائت قرآن است و نه مصداق دعا.

این سه بحث بحث‌هایی است که باید آن را دنبال کنیم.

و الحمد لله رب العالمین.